

تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی راهنمایی و اول متوسطه (۱۳۷۸ تا ۱۳۹۸)

کاظم رحیمی نژاد (نویسنده مسوول)^۱
بابک جعفرزادگان^۲

چکیده

تحمیدیه به شکل نظم و نثر، جایگاه ویژه‌ای را در متون ادب فارسی به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که هیچ اثر فاخر ادبی را در تاریخ ادب فارسی نمی‌توان نام برد که در ابتدای آن، تحمیدیه‌ای وجود نداشته‌باشد. در پژوهش حاضر سعی شده‌است ابتدا به توصیف کمی و کیفی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی اول متوسطه و دوره راهنمایی، حداقل سال‌های تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸ تا ۱۳۹۹-۱۳۹۸ پرداخته شود؛ سپس بر پایه تبیین آماری این متون، تصویر روشنی از جهت‌گیری‌ها و کاستی‌ها در این خصوص ارائه شود. در یک جمع‌بندی اجمالی درمی‌یابیم که در بازه‌های زمانی یاد شده، تا پیش از تغییر نظام آموزشی (سنوات ۱۳۷۸-۱۳۹۲)، در پایه اول راهنمایی، کتاب‌های فارسی از نظر اشتغال بر تحمیدیه، کمیت پایین‌تری نسبت به سال‌های پس از تغییر نظام آموزشی دارد؛ بدین معنا که کتاب‌های فارسی نظام جدید در پایه هفتم متوسطه، به لحاظ برخورداری از دروس مرتبط با تحمیدیه‌ها، سیر صعودی داشته‌اند؛ اما تحمیدیه‌های دو پایه دیگر در سال‌های مذکور، از سیر منطقی برخوردار نیست و این مسئله نشان می‌دهد که با وجود این‌که ادبیات آیینی- و به طور اخص تحمیدیه‌ها- می‌تواند در تفهیم مطالب عقیدتی، باورها و نگرش‌های دانش‌آموزان نقش مؤثری داشته باشد، الگوی مشخصی درخصوص توجه به تحمیدیه‌ها در سال‌های اخیر وجود ندارد و هیچ معلوم نیست این کاهش‌ها و افزایش‌ها بر اساس چه منطقی رخ داده‌است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات آیینی، ستایش، تحمیدیه، کتاب فارسی، دوره راهنمایی، متوسطه اول

^۱ استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شیراز؛ k_rahiminejad@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

مقدمه

دین و آیین، ریشه در فطرت آدمی دارد و یکی از نمایه‌ها و نمودهای برجسته آیین و دین را می‌توان در ادبیات جوامع انسانی مشاهده کرد. این نمود می‌تواند با تجلیات عاطفی و احساسات عمیق و رقیق، زمینه‌های تعالیم دینی را در یک جامعه باورمند فراهم کند؛ از این روی، آیین و دین به عنوان یکی از اصلی‌ترین جان‌مایه‌های ادب تعلیمی از دیرباز در ادبیات حضور یافته است.

آشناسازی نسل نو با آیین و فرهنگ اسلامی در قالب آموزش ادبیات آیینی به آن‌ها، یکی از مؤثرترین روش‌های گسترش فرهنگ دینی در جامعه است و بازتاب این آشنایی و شناخت، جامعه را از تأثیرات مثبت روحیه و فرهنگ دینی برخوردار میکند و امکان بهره‌مندی از آثار فرهنگ معنوی را میسر می‌سازد. در این مسیر، یکی از مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان و نویسندگان کتابهای درسی، باید ارائه درست مفاهیم ادبیات آیینی باشد. درک این جایگاه رفیع و ماندگار ساختن آن برای نسل حاضر و آیندگان، رسالت سنگین مؤلفان کتابهای درسی به ویژه کتابهای فارسی است؛ زیرا کتابهای درسی، بهترین ابزار برای انتقال تعالیم دینی، باورهای ارزشی و ذکر نکات ارزشمند از زندگانی بزرگان دین هستند؛ بنابراین در این پژوهش، به بررسی نمودهای تحمیدیه‌ها در کتب فارسی اول متوسطه پرداخته شده‌است تا با نگاه انتقادی، وضعیت کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتابهای درسی این مقطع مشخص شود و تصویر روشنی برای تعمیق و گسترش متون آیینی در مقطع اول متوسطه به دست آید.

هدف از پژوهش حاضر، این است که با نشان دادن تصویری روشن از سیر تغییرات و تحولات متون مرتبط با تحمیدیه‌ها در دوره مورد نظر، مشخص شود که آیا منطق مشخصی بر سیر تغییرات حاکم بوده یا نه و نیز تلاش شده‌است که در حد توان پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت حاضر ارائه شود.

از مهم‌ترین سؤالاتی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، یکی این است که خصوصیات کمی و کیفی درس‌هایی که مرتبط با تحمیدیه‌هاست، در بازه زمانی ذکر شده شامل چه مواردی است؟ و سؤال مهم‌تر این‌که تحول و دگرگونی کمی و کیفی که از نیمه دوم دهه

هفتاد در متون مرتبط با تحمیدیه در کتاب‌های درسی مورد نظر صورت گرفته، چه بوده و جهت‌گیری‌های این تغییرات به لحاظ کیفی به سوی چه جنبه‌هایی از تحمیدیه‌ها گرایش دارد؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

تحمیدیه در اصطلاح ادبی به مقدمه‌ای گفته می‌شود که در آغاز متون نظم و نثر به ستایش خداوند یگانه و برشمردن نعمات و صفات وی می‌پردازد و این موضوع به عنوان یک سنت ادبی، از ابتدایی‌ترین دوره‌های نظم و نثر فارسی در متون ادبی فاخر، جلوه‌گر بوده‌است. به بیانی دیگر، از آغاز نظم و نثر فارسی تاکنون، از قلم و زبان و اندیشه نویسندگان و شاعران، آثار فاخر و ارزشمندی تراوش کرده که ذکر نام خداوند و ستایش او، سرآغاز بسیاری از این آثار قرار گرفته‌است. از مقدمه شاهنامه ابومنصوری گرفته تا مقدمه تاریخ بلعمی و دیباجه‌الابنیه عن حقایق الادویه که همگی با نثر مرسل سخن خود را با حمد خدا و نعت پیامبر آغاز کرده‌اند تا مقدمه زادالعارفین خواجه عبدالله انصاری و دیباجه گلستان سعدی که از برجسته‌ترین و بلیغ‌ترین نمونه‌های تحمیدیه در ادب پارسی هستند و نیز آثار ادبی متأخر، همگی این سنت ادبی را در خود به ظهور رسانده‌اند (ستوده، ۱۳۶۹: مقدمه).

ساختار تحمیدیه‌های ادب فارسی عموماً شامل بخش‌هایی است که در همه آن‌ها رعایت شده‌است. «آنچه در تحمیدیه‌ها در اولویت قرار دارد، ذکر صفات سلبی و ثبوتی خداوند است و پرداختن به دعا و معاد و نعت پیامبر (ص) که معمولاً زیرمجموعه ادعیه هستند، در درجات بعدی اهمیت قرار دارند» (کریمی و آذرمان، ۱۳۸۷: ۴). با دقت در متن تحمیدیه‌های موجود، می‌توان بنیان تحمیدیه را این‌گونه در نظر گرفت:

با حمد پروردگار و توصیف عظمت کبریایی حق آغاز می‌شود. سپس شاعر یا نویسنده به اظهار عجز و نیاز می‌پردازد و گناهان و معاصی خویش را بازگو می‌کند. در نهایت از درگاه پروردگار، طلب عفو و مغفرت می‌کند (همان: ۱-۳۷).

بررسی نگارنده برای یافتن مأخذی که کیفیت و کمیت تحمیدیه‌های کتاب درسی را بررسی کرده‌باشد، به نتیجه مثبتی نرسید؛ اما کتاب‌ها و مقالات بسیاری به زوایا و ابعاد گوناگون ادبیات آیینی و متون ستایشی پرداخته‌اند که منبع مناسبی برای این تحقیق محسوب می‌شوند. کتاب «تحمیدیه در ادب فارسی» اگرچه ارتباط مستقیمی با کتاب‌های درسی ندارد، ولی به لحاظ

این که انواع تحمیدیه‌های ادب فارسی را در خود جای داده، منبع مناسبی برای شناخت جامع این گونه متون است.

مقاله‌ی «بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون (نظامی، امیر خسرو دهلوی، جامی، مکتبی)» از محمد حسین کرمی و حشمت الله آذر مکان نیز منبع دیگری است که در تبیین مبانی نظری تحقیق و تقسیم بندی محتوایی تحمیدیه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

۲۱

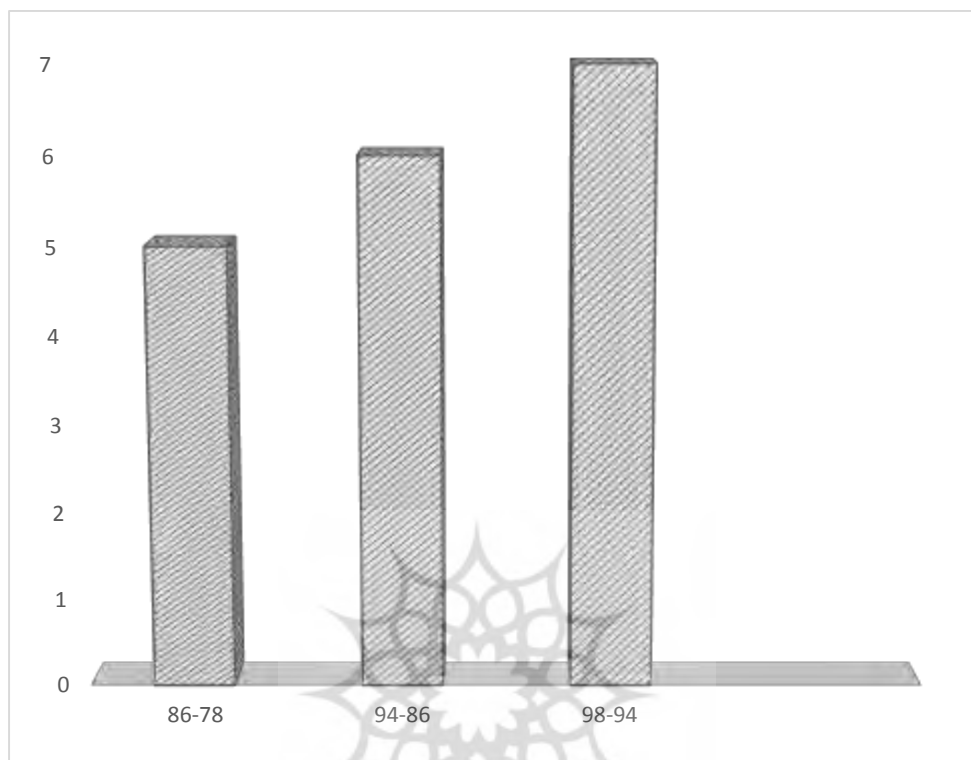
روش پژوهش

روش این پژوهش، طبق روال معمول پژوهش‌های کتابخانه‌ای، توصیفی-تحلیلی است. مطابق این روش، با خواندن کتاب‌های فارسی اول متوسطه در بازه زمانی مورد بحث، مطالبی که در پیوند مستقیم با موضوع است، فیش برداری گردید و انواع تحمیدیه در کتاب‌های درسی مذکور، استخراج گردید. سپس در یک نگاه آماری، بسامد این متون در کتاب‌های درسی فارسی مشخص شد و به دنبال بررسی مقایسه‌ای، تصویری روشن از کمیت و ویژگی‌های محتوایی تحمیدیه‌های موجود در کتاب‌های فارسی اول متوسطه ارائه گردید. در ضمن، با توجه به این که تحمیدیه‌ها به همراه متون ستایشی و نیایشی (اعم از مناجات‌ها و نعت و ستایش پیامبر و اولیای دین)، حول محور «ذکر صفات و حمد و ستایش» شکل گرفته‌اند، همه این متون تحت مجموعه آماری و تحلیلی تحمیدیه‌ها آورده شده است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل کمی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی و اول متوسطه

تغییر نظام آموزشی ایران از مهرماه ۱۳۹۲ آغاز و طی سه سال فرایند آن تکمیل شد. در نظام جدید آموزشی، دوره‌های تحصیلی از طرح آموزشی ۵-۳-۱ به طرح ۶-۳-۳ تبدیل گردید. بنابراین در جمع‌بندی زیر، از هر دو عنوان راهنمایی و اول متوسطه استفاده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد متون تحمیدیه در کتاب فارسی اول راهنمایی و پایه هفتم متوسطه، در طول این دوره بیست‌ساله، روند رو به رشدی داشته است.

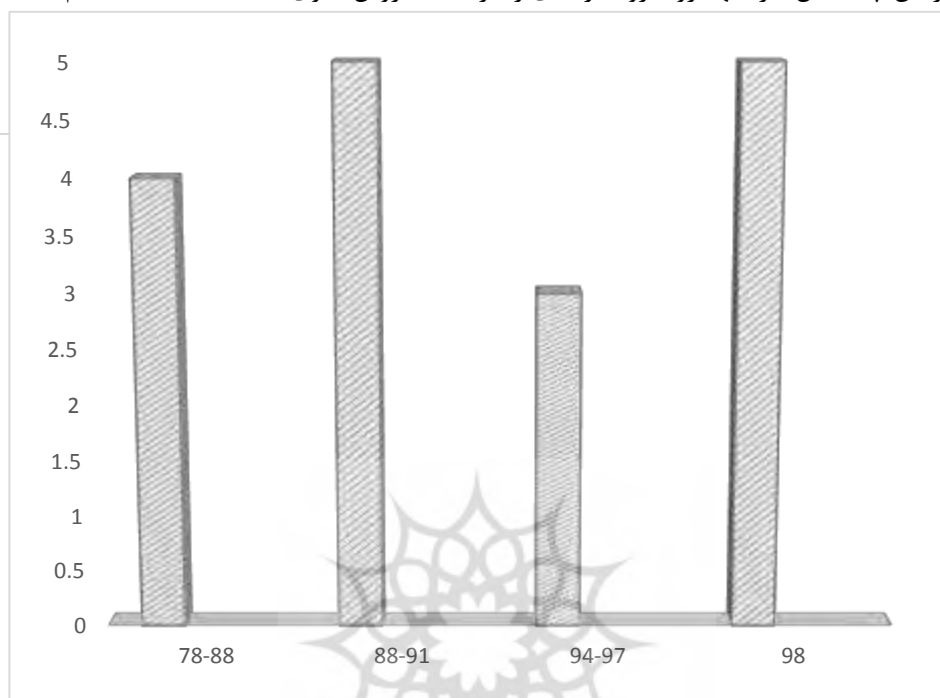


نمودار شماره ۱: مقایسه تعداد متون تحمیدیه اول راهنمایی و پایه هفتم متوسطه بین

سال‌های ۷۸-۹۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در سال دوم راهنمایی و پایه هفتم متوسطه نیز با وجود روند نوسانی تعداد دروس تحمیدیه در این چند سال، در انتها، روند رو به رشدی را در تعداد دروس حاوی تحمیدیه شاهد هستیم.

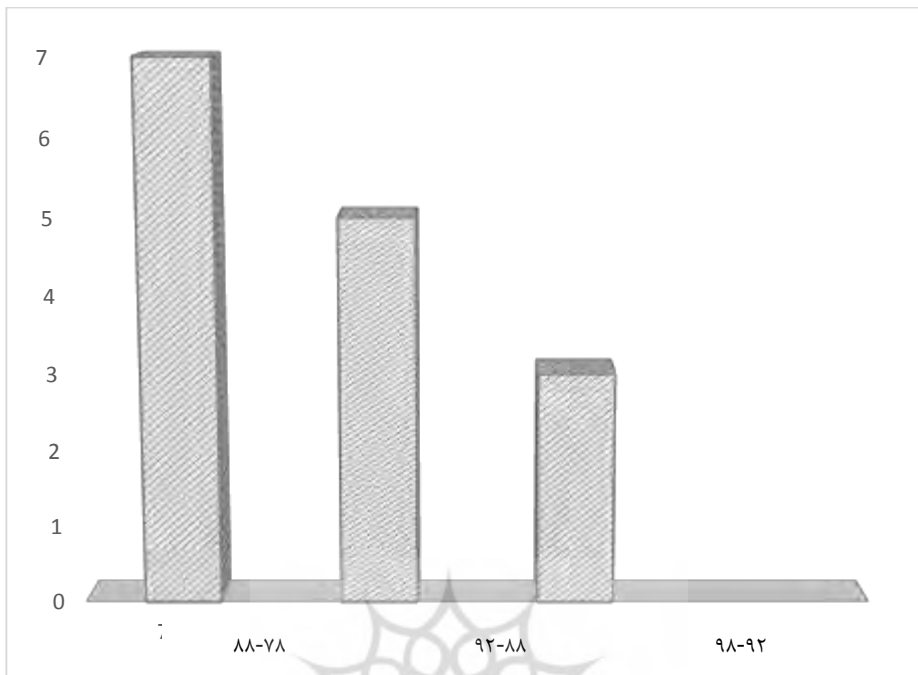


نمودار شماره ۲: مقایسه تعداد متون تحمیدیه دوم راهنمایی و پایه هفتم متوسطه بین

سال‌های ۷۸-۹۸

اما تعداد تحمیدیه‌ها در سال سوم راهنمایی و پایه نهم متوسطه، بین سال‌های ۷۸-۹۸،

روند رو به کاهشی دارد.



نمودار شماره ۳: مقایسه تعداد متون تحمیدیه سوم راهنمایی و پایه نهم متوسطه بین سال

های ۷۸-۹۸

همان‌طور که در نمودارهای بالا مشاهده می‌شود، در بازه زمانی مورد پژوهش، تعداد متون مندرج در کتاب‌های فارسی پایه اول راهنمایی و پایه اول متوسطه اول، همواره روندی افزایشی داشته‌است و تطابق این روند رو به رشد با یکی از رسالت‌های نظام تعلیم و تربیت که همانا آشنایی بیشتر نسل نوجوان با این‌گونه متون و در نتیجه، شکل‌گیری و رشد باورهای دینی در نوجوانان است، منطقی می‌نماید؛ اما نمودارهای بسامدی تحمیدیه‌ها در پایه دوم راهنمایی و پایه دوم متوسطه اول و همچنین پایه سوم راهنمایی و پایه سوم متوسطه اول، از منطق نمودار پایه اول راهنمایی و پایه اول متوسطه اول پیروی نکرده‌است. بدین معنا که در پایه دوم راهنمایی و پایه دوم متوسطه اول، در برخی مقاطع زمانی روندی افزایشی و در برخی دیگر، شاهد روند کاهشی در تعدادی از متون مرتبط با تحمیدیه‌ها هستیم. در نهایت، نمودار مرتبط با کتاب‌های فارسی پایه سوم راهنمایی و پایه سوم متوسطه اول را داریم که به لحاظ برخورداری از متون مذکور، سیر صعودی را طی نمی‌کند. به عبارتی دیگر، تحمیدیه‌های موجود در این کتب، در بازه زمانی پیش از تغییر نظام آموزشی در اوایل دهه ۹۰، از کمیت بالاتری برخوردار بوده؛ اما

به تدریج سیر نزولی داشته‌است. هیچ معلوم نیست که این نوسانات بر اساس چه منطقی رخ داده و چرا شاهد این کاهش و افزایش‌ها هستیم.

تحلیل محتوایی تحمیدیه‌های کتاب‌های درسی راهنمایی و اول متوسطه

الف) تحمیدیه‌هایی بر اساس صفات سلبی و صفات ثبوتی

یکی از راه‌های ستایش خداوند، حمد او از طریق ذکر صفات است و این صفات، بنابر یکی از مشهورترین تقسیمات، به سلبی و ایجابی تقسیم می‌شوند. صفات ثبوتی در تحمیدیه‌ها به صورت صفت فاعلی و مطلق به خداوند نسبت داده شده و یا خداوند با آن‌ها مورد خطاب قرار گرفته‌است. در تحمیدیه‌ای از نظامی گنجوی که به عنوان مقدمه کتاب فارسی سال اول راهنمایی انتخاب شده‌است، صفاتی از قبیل: «کارگشا» و «هست کن»، نمود صفات ثبوتی الهی است:

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	جز نام تو نیست بر زبانم
ای کارگشای هر چه هستند	نام تو کلید هر چه بستند
ای هست کن اساس هستی	کوتاه ز درت دراز دستی

(فارسی اول راهنمایی، ۱۳۷۸: ۴-۵)

در شعر وصال شیرازی که در کتاب فارسی دوم راهنمایی آمده نیز به این معنا اشاره شده‌است:

بینی چه رقم‌های شگرف است و دل آرا
بر صفحه هستی ز خداوند تعالی
دارای دو گیتی ملک‌العرش خدایی
کاو را نه نیاز است و نه انباز و نه همتا...

(فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۸۸: ۵۷)

در نمونه دیگری از کتاب فارسی دوم راهنمایی، آفریدگار بودن خداوند مورد اشاره قرار گرفته‌است و همراه با آن صفات «دانا»، «پروردگار» و «توانا» نیز بیان شده‌است:

«سپاس باد یزدان دانا و توانا را که آفریدگار جهان است و داننده آشکار و نهان است و راننده چرخ و زمان است و دارنده جانوران است و آورنده بهار و خزان است...» (الابنیه عن حقایق الأدویه، ابومنصور موفق هروی) (فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۸۰: ۱)

_____ تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی ...

نمونه‌های دیگر نیز از این مسئله حکایت دارند و صفات ثبوتی خداوند را در خود نشان می‌دهند؛ مثلاً در بیت اول نمونه زیر، صفت «مسکین نواز»، بیانگر صفت ثبوتی پروردگار است.

...همه طاعت آرند و مسکین نیاز / بیا تا به درگاه مسکین نواز

چو شاخ برهنه برآریم دست / که بی برگ از این بیش نتوان نشست

(فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۸۲: ۳)

همچنین در دو بیت زیر از بوستان سعدی، صفات ثبوتی خدا مانند: جان آفرین، حکیم، بخشنده، دستگیر، کریم، خطابخش و پوزش پذیر ذکر شده است.

به نام خداوند جان آفرین / حکیم سخن در زبان آفرین

خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابخش پوزش پذیر..

(فارسی پایه هشتم، ۱۳۹۸: ۱۰)

در نمونه‌های زیر شاهد ذکر صفات ثبوتی حق تعالی هستیم؛ صفاتی همچون: مهربان، روزی رسان، یکتا، پاک، بی‌عیب و از این قبیل.

«...ستایش، خدای مهربان، کردگار روزی رسان و یکتا در نام و نشان راست...»

(فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

... پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار...

(فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۸۹: ۴۳)

کریم، به رزق تو پرورده‌ایم / به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم...

(فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

ب) تحمیدیه‌هایی بر اساس صفات رحمانیت و رحیمیت خداوند

صفت رحمانیت، اشاره به رحمت عام خداوند است که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار می‌شود. صفت رحیمیت، ناظر به رحمت خاص پروردگار است که ویژه بندگان مطیع، صالح و فرمانبردار است. یکی از نمونه‌های تحمیدیه در زمینه بیان صفات خداوندی با تکیه بر صفات رحمانی و صفات رحیمی، شعری از قیصر امین‌پور است که به شیوه

روایی، سلسله‌وار صفات را بیان می‌کند. شاعر پس از این‌که اذعان می‌کند پیش از این تصور اشتباهی در مورد خداوند داشته، می‌گوید:

پیش از این‌ها خاطرمد دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود
تا که یک شب دست در دست پدر راه افتادیم به قصد یک سفر
در میان راه در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا
زود پرسیدم: پدر این‌جا کجاست؟ گفت: این‌جا خانه خوب خداست
گفت: این‌جا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت نمازی ساده خواند
با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد
گفتمش: پس آن خدای خشمگین خانه‌اش این‌جاست؟ این‌جا در زمین؟
گفت: آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست
مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است
عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی
تازه فهمیدم خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست
دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر
می‌توانم بعد از این با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا
(فارسی پایه هشتم، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۲)

ج) تحمیدیه‌هایی با تکیه بر موضوع آفرینش

شعرا و نویسندگان در تحمیدیه‌های خود تنها به ذکر صفات مختلف خداوند اکتفا نکرده‌اند؛ بلکه گاه خداوند را از طریق برشمردن مخلوقاتش ستوده‌اند و او را از دریچه مصنوعات بدیعی نگریسته‌اند. اگرچه در نگاه نخست، سخن گفتن از اشک و گل و بلبل بی‌ارتباط با تحمیدیه‌ها به نظر می‌رسد؛ اما با ژرف‌نگری درمی‌یابیم که ارتباط خالق و مخلوقی این موجودات با حضرت باری، محمل و بهانه‌ای برای ذکر آن‌ها در تحمیدیه‌ها بوده‌است. یاد کردن از مخلوقات

_____ تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی ...

به عنوان دست‌پرورده‌های خداوند و نیز به عنوان تسبیح‌گویان حضرت حق در تحمیدیه‌ها نمود یافته‌است که برخی ادیبان به‌اجمال و برخی به‌تفصیل، بدان پرداخته‌اند.

موضوع خلقت و تسبیح‌گویی عناصر طبیعت و رابطه‌ی خالق و مخلوقی این عناصر با حضرت حق نیز در کتاب‌های درسی فارسی نمودهایی یافته‌است. به بیت زیر از نظامی که در فارسی پایه‌ی هفتم آمده، توجه کنید:

ای هست‌گن اساس هستی کوته ز ذرت، درازدستی

(فارسی پایه‌ی هفتم، ۱۳۹۳: ۹)

صفاتی همچون «مبدع» و «خالق‌الوجود» بودن خداوند را صاحب کتاب «الأبْنیه عن حقایق الأدویه» نیز ذکر می‌کند و به موضوع مالک بودن خدا می‌پردازد و به این اصل که مالکیت خداوند، حقیقی است و شامل احاطه و سلطنت است، اشاره می‌کند:

«سپاس باد یزدان دانا و توانا را که آفریدگار جهان است و داننده‌ی آشکار و نهان است و راننده‌ی چرخ و زمان است و دارنده‌ی جانوران است و آورنده‌ی بهار و خزان است...»

(فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۸۰: ۱)

در ابیات زیر از وصال شیرازی به عبارت «ذُو الْعَرْشِ» یا صاحب عرش اشاره شده‌است:

بینی چه رقم‌های شگرف است و دل آرا بر صفحه‌ی هستی ز خداوند تعالی
 دارای دو گیتی ملک‌العرش‌خدایی کاو را نه نیاز است و نه انباز و نه همتا
 هر نوع کند نقش و خود از نقش منزه هر جنس کند جفت و خود از جفت مبرا
 هم کارگهی همچو زمین ساخته‌معمور هم بارگهی همچو فلک داشته‌برپا
 چه زشت و چه زیبا همه نقش قلم اوست نی نی نکند زشت، نگارنده‌ی زیبا
 (فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۹۰: ۵۹)

و یا ابیات زیر از قآنی که به صورت‌نگری خداوند اشاره دارد:

راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار؟
 عقل‌ها حیران شود، کز خاک تاریک نژند چون برآید این‌همه گل‌های نغزِ کامکار؟
 چون نپرسی کاین تمائیل از کجا آمد پدید؟ چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟
 برق از شوقی که می‌خندد بدین‌سان قاه‌قاه؟ ابر از هجرِ که می‌گرید بدین‌سان زار زار؟
 کیست آن صورت‌گر ماهر که بی‌تقلید غیر این همه صورت برد بر صفحه‌ی هستی به کار؟

(فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۹۰: ۶۰)

آفریننده بودن و حکمت و قدرت خداوند را در آفرینش مخلوقات در ابیات مشهور ابتدای بوستان سعدی که در کتاب هشتم آمده است نیز می‌توان دید (ر.ک: فارسی پایه هشتم، ۱۳۹۸: ۱۰).

و یا قصیده مشهور دیگری که دو بیت آن در زیر می‌آید:

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟ یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟
بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد ...
(فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۸۷: ۱)

بخش‌هایی از نهج‌البلاغه که در کتاب هشتم آمده است نیز حکایت از علم و حکمت خداوند در گوناگونی خلقت موجودات و تفاوت آن‌ها با یکدیگر دارد. در این متن از اسرار خلقت موجودات مختلف، از مورچه گرفته تا خفاش و ملخ و طاووس و... سخن رفته است:

«اگر اندیشه‌ات را به کارگیری تا بتوانی به راز آفرینش پی ببری، دلایلی روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست. از شگفتی‌های آفرینش خالق بی‌همتا، اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفاشان است ...»
(فارسی پایه هشتم، ۱۳۹۸: ۱۷).

متن زیر که از کیمیای سعادت محمد غزالی برگرفته شده و در کتاب سال سوم راهنمایی آمده نیز به آثار صنع الهی اشاره دارد:

«بدان که هر چه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین آن چه بر وی است، چون کوه و بیابان و نهرها و آن چه در کوه‌هاست از جواهر و معادن و آن چه بر روی زمین است از انواع نباتات و آن چه در برّ و بحر است از انواع حیوانات و آن چه میان آسمان و زمین است، چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس و قزح و علامات‌هایی که در هوا پدید آید، همه عجایب صنع حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی ...» (فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۸۰: ۲۷).

مضامین موجود در قصاید سعدی نیز حاکی از نظم خلقت و لزوم تفکر انسان‌ها در آیات و نشانه‌های حق تعالی و شکرگزاری به درگاه اوست. در این زمینه قصیده مشهور «بامدادی که

_____ تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی ...

تفاوت نکند لیل و نهار» در کتاب هشتم از نمونه‌های قابل ذکر است که با توجه به بلندی شعر از ذکر متن آن صرف نظر می‌کنیم (ر. ک: فارسی پایه نهم، ۱۳۹۷: ۱۳).

ز نمونه‌های مناسب دیگری که در فارسی اول راهنمایی آمده، این حکایت زیبای گلستان است: «یاد دارم که شبی در کاروانی همه‌شب رفته‌بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته. شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره‌ای برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد، گفتم: این چه حالت بود؟ گفت: بلبلان را دیدم که به نالش درآمده‌بودند از درخت و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه؛ اندیشه کردم که مرّوت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت: باور نداشتم تو را بانگ مرغی چنان کند مدهوش
گفتم: این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و ما خاموش
(فارسی اول راهنمایی، ۱۳۸۳: ۶)

د) تحمیدیه‌هایی با تکیه بر دعا و نیایش

نیایش و دعا تبلور و تجلی آیات الهی است و اهل شعر و ادب در قرون متمادی، نوشته‌های خود را، در نظم یا نثر، به تأسی از آیات قرآن و تعالیم دینی با نام و یاد خداوند و حمد و ثنای او آغاز می‌کردند. این سپاس و ستایش شاعرانه و عارفانه جلوه‌ای از نیایش ادبی شاعران و نویسندگان بوده‌است. برخی در ابیات و نوشته‌های خویش به وجه نیایش آیینی و دینی می‌پرداختند و برخی دیگر به‌طور مفصل به حمد و نیایش پروردگار. آثاری که در قسم دوم به یادگار مانده‌اند، اغلب آثاری فاخر در حوزه شعر و ادب دینی و آیینی به شمار می‌روند. در تحمیدیه‌های موجود در کتاب‌های فارسی، برخی متون و اشعار، به دعا و مناجات اختصاص یافته‌اند. دعا برای طلب رزق و عافیت، توفیق قدردانی از حق‌داران، رفع ظلم و ستم از جهان و مانند این‌ها، جزء دعاهای ذکرشده در کتاب‌های فارسی متوسطه اول است:

«خدایا، ما را قدردان مادر و پدر، کشور و رهبر و معلمان تلاشگر قرار ده. خدایا، ای امید امیدواران و منتظران، جهان را از ستم آزاد، میهنمان را آباد و مردم سرزمینمان را سرافراز و دل شاد گردان» (فارسی اول راهنمایی، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

دعای زیر یکی از دعا‌های قرآنی است که مضمون آن در یکی از آیات سوره انبیا وجود دارد و در شرح حالات حضرت زکریا (ع) است. نویسنده در قسمت بعد، از درگاه حق درخواست می‌کند که عالم بی‌عمل را مورد عنایت خویش قرار دهد:

«خدایا، آن زمان که همگان تنه‌ایمان می‌گذارند، تنها حضور تو تنه‌ایی را طراوت می‌بخشد؛ تنه‌ایمان مگذار. خدایا، به آنان که نمی‌دانند، بیاموز که بدانند و به آنان که می‌دانند، بیاموز که عمل کنند. ای حلال مشکلات پنهان، درمان آن دردها که به هیچ‌کس نمی‌توان گفت، در دست‌های توست؛ ما را محتاج دست‌های دردناشناس مکن» (فارسی اول راهنمایی، ۱۳۸۷: مقدمه).

در دعای زیر که بخشی از دعای حضرت ولی عصر (عج) است، اهمیت کوشش در راستای تحصیل علم و فراهم نمودن انگیزه برای تحقق بخشیدن آن از درگاه حق، ذکر شده است: «پروردگارا، به دانش‌آموزان ما میل به کوشش و شوق آموختن، عنایت فرما» (فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

و یا نمونه فاخر زیر از الهی‌نامه خواجه عبدالله انصاری که در طلب علم و بصیرت است: «الهی، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دست‌آویز نداریم، توفیق ده تا در دین استوار شویم، نگاه‌دار تا پریشان نشویم» (فارسی پایه هفتم، ۱۳۹۴: ۹).

در سروده خواجه کرمانی که در کتاب فارسی پایه هفتم (۱۳۹۸) آمده نیز می‌توان نیایشی را با زبانی ساده و روان مشاهده کرد. کاربرد ترکیباتی همچون: «آتش غفلت» و «آتش جان» و کاربرد آرایه‌هایی مانند: واج‌آرایی، استعاره، کنایه و تضاد، به مفاهیم محتوایی این سروده یاری رسانده است. شاعر در این سروده از خداوند متعال طلب حال خوش، محروم نشدن از الطاف خداوندی، داشتن زبانی گویا و روانی جويا و دوری از غفلت و روشنایی جان و روح می‌کند و نبود الطاف و عنایات الهی را سبب از دست رفتن خود و گمراهی می‌خواند.

_____ تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی ...

خداوندا به حـق نیک مـردان	کـه احوال بدم را نیک گردان
مکن ما را از این درگاه محروم	چو گنجشکان مران ما را از این بوم
زبانی ده که اسرار تو گـویـد	روانی ده کـه دیدار تو جوید
دلم در آتش غفلت مسـوزان	به معنی شمع جانم بـرفروزان
کنون گر دست گیری جای آن هست	که گر دستم نگیری رفتم از دست
مکـن دورم ز نزدیکان درگاه	به راه آور مـرا کـافتادم از راه
تو را خوانم به هر رازی که خوانم	تـو را دانم به هر چیزی که دانم

(فارسی پایه هفتم، ۱۳۹۸: ۱۶۶)

در نمونه زیر از «کشف‌الأسرار» ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، دعا و مناجات به درگاه حق به نثر مسجع آورده شده که از نمونه‌های متون دعایی مندرج در کتب درسی فارسی است و مضامین قرآنی مانند: رازق بودن خدا و یکتایی او، درخواست نشان دادن راه راست از سوی پروردگار و مفاهیمی از این دست در آن دیده می‌شود.

«الهی! به نشان تو بیندگانیم، به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم و به یاد تو شادانیم. خداوندا، داغ تو دارم و بدان شادم؛ اما از بود خویش به فریادم. الهی شناخت تو، ما را امان و لطف تو ما را عیان. الهی ضعیفان را پناهی، مؤمنان را گواهی، چه بود که افزایی و نکاهی؟ ستایش، خدای مهربان، کردگار روزی‌رسان و یکتا در نام و نشان راست؛ خداوندی که ناجسته یابند و نادیده دوست دارند. خداوندا، ما را از آنان مگردان که ایشان را به خود باز گذاشتی تا به تیغ هجران خسته گشتند. آری چه بار کشد ریسمان گسسته و چه به کار آید کوشش از بنده نایسته و در بیگانگی زیسته؟ پروردگارا، ما را راه راست بنمای، راه آنان را که نیکوداشت کردی آن‌ها را، نه راه آنان که بر آن‌ها خشم گرفتی و نه راه گمراهان (فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

در شعری دیگر که از نمونه‌های متون دعایی است، سعدی شیرازی در بیت اول، به مسئلهٔ انسانیت و ضرورت یاری رساندن به هم‌نوع - که از مؤلفه‌های شعر تعلیمی به‌شمار می‌رود- اشاره نموده، در ادامه به ذکر بندگی و خواهش از درگاه احدیت پرداخته‌است:

بیـا تا برآریم دستـی ز دل	که نتوان برآورد فردا ز گل
کریمـا به رزق تو پرورده‌ایم	به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم

به لطفم بخوان و مران از درم ندارد به جز آستانت سرم
چراغ یقینم فرا راه دار ز بد کردنم دست کوتاه دار
خدایا به ذلت مران از درم که صورت نبندد دری دیگـرم
(فارسی سوم راهنمایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

۳۳ یا در بخشی از دعای حضرت ولی عصر (عج) آمده است: «پروردگارا، توفیق فرمانبری از خویش و دوری از نافرمانی را روزی ما بفرما، زبان ما را به درست‌گویی و گفتار شایسته گویا بگردان، دل‌های ما را به دانش و معرفت زینت ببخش، چشم‌های ما را از گناه و خیانت، بیوشان» (همان: ۱۴۴). در این دعا به لزوم اطاعت و سپاس از پروردگار با تمام اعضا و جوارح تأکید شده و از راست‌گویی و کسب معرفت حقیقی و دوری از گناه به‌عنوان فضایل دینی، انسانی و اخلاقی سخن گفته شده است. متن‌های نیایشی زیر از دکتر علی شریعتی نیز بیانگر خواهش و تضرع به درگاه خداوند برای رفع گرفتاری‌هاست و عنایات حق تعالی را در همه شئون خواستار شده است. «خدایا، به من توفیق تلاش در شکست، صبر در نومیدی، ایمان بی‌ریا، مناجات بی‌غرور، عشق بی‌هوس، دوست داشتن بی‌آن که دوست بدانند، روزی کن. خداوندا، به من زیستنی عطا کن که در لحظه مرگ، بر بی‌ثمری لحظه‌ای که برای زیستن گذشته است، حسرت نخورم و مردنی عطا کن که بر بیهودگی‌اش سوگوار نباشم. خداوندا، به مؤمنان ما روشنایی و به روشن‌فکران ما ایمان و به خفتگان ما بیداری و به بیداران ما اراده و به مسلمانان ما قرآن، به فرقه‌های ما وحدت، به مردم ما خودآگاهی و عزت ببخش» (فارسی پایه نهم، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

علاوه بر این، چندین متن نیایشی در کتاب‌های فارسی اول متوسطه آمده است که برای طولانی نشدن مطلب از ذکر آن خودداری گردید؛ اما در بخش تبیین آماری، به احصا درآمده است و تحلیل خواهد شد.

ه) تحمیدیه‌هایی با تکیه بر موضوع معاد و رستاخیز

از جمله نکاتی که در تحمیدیه‌ها وجود دارد، اشاره به مرگ و معاد است. گاه این اشاره در بیت یا جمله‌ای خلاصه می‌شود و گاهی به صورت دعا، چند بیت یا جمله را به خود اختصاص می‌دهد. در الهی نامه خواجه عبدالله انصاری آمده است:

_____ تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی ...

«الهی، دلی ده که در کار تو جان بازمیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم» (فارسی پایه هفتم، ۱۳۹۴: ۹).

و یا این بیت مشهور نظامی:

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

(فارسی اول راهنمایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷)

در شعر زیر، حکیم فردوسی دو رکن را به‌عنوان ارکان اساسی رستگارشدن در دنیا و آخرت برمی‌شمارد که عبارتند از: خردمندی و دین‌داری. افزون بر این، راه نجات و آزادگی در دنیا و آخرت را پیروی از سیره اولیای دین و به‌طور اخص پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌و آله و امیرالمؤمنین علی، علیه‌السلام، می‌داند.

تو را دانش و دین رهاند درست در رستگاری بیایدت جست
چو خواهی که یابی ز هر بد رها سر اندر نیابی به دام بلا
بوی در دو گیتی ز بد رستگار نکوکار گردی بر کردگار
به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و علی گیر جای
(فارسی پایه هفتم، ۱۳۹۸: ۱۱۳)

در دو نمونه زیر، مفاهیمی مانند: رویش دوباره درختان در بهار پس از سپری شدن خزان و همچنین چشم داشتن و اعتقاد به عقبی و در واقع جهان پس از مرگ، نشانگر اعتقاد به معاد و زندگی ابدی انسان است.

بیا تا برآریم دستی ز دل که نتوان برآورد فردا ز گل ...
همه طاعت آرند و مسکین نیاز بیا تا به درگاه مسکین نواز
چو شاخ برهنه برآریم دست که بی‌برگ از این بیش نتوان نشست
(فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۷۸: ۳)

بیا تا برآریم دستی ز دل که نتوان برآورد فردا ز گل
کریما، به رزق تو پرورده ایم که نتوان برآورد فردا ز گل
چو ما را به دنیا تو کردی عزیز به عقبی همین چشم داریم نیز
(فارسی پایه نهم، ۱۳۹۷: ۱۴۶)

در خاتمه این بخش، گفتنی است متون و اشعاری که بیانگر ایمان و توجه انسان به معاد و رجعت انسان باشد، در بازه زمانی مورد بررسی محدود به همین نمونه‌هایی است که ذکر گردید و نمونه‌های بیشتری مشاهده نشد.

و) تحمیدیه‌هایی با تکیه بر موضوع نعت و منقبت

گاه در برخی تحمیدیه‌ها، در پایان حمد و دعا، بیت یا ابیاتی را به‌عنوان تخلص و گریز به نعت پیامبر می‌آورند؛ البته بیت یا ابیات نعتی معمولاً غیر از ابیاتی است که به‌صورت اختصاصی، بعد از تحمیدیه در نعت پیامبر آورده می‌شود و غالباً از نظر ساختار شعر، جزء تحمیدیه به حساب می‌آید. متون زیر، حاوی نکات مذکور است:

چو خواهی که یابی زهر بد رها سر اندر نیاری به دام بلا
بوی در دو گیتی ز بد رستگار نکوکار گردی بر کردگار
به گفتار پبغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و وصی گیر جای
بر این زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

(فارسی پایه هفتم، ۱۳۹۸: ۱۱۳)

محبت به پیامبر و اهل بیت در اشعار فردوسی، از جمله شعر یادشده، مشهود است؛ افزون بر این، به نظر می‌رسد در جهان‌بینی و دیدگاه شعری بسیاری از شاعران، از جمله فردوسی، ذکر فضایل امام علی(ع)، مهم‌ترین دستمایه برای پر کردن محتوا و مضمون اشعار منقبتی است و نمونه آن در شعر مذکور نمایان است. نمونه دیگری از نعت پیامبر و اصحاب و پیروان ایشان را در متن زیر می‌توان مشاهده نمود که مبین اعتقاد راسخ صاحب کتاب الأبنیه به پیشرو بودن پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) در امر راهنمایی امت به راه راست و مبارزه با اشاعه‌دهندگان طریق باطل است.

«درود بر محمد مصطفی(ص) که خاتم پیغامبران است و آفرین بر اصحاب اوی و اهل‌بیت و گزیدگان اوی و درود بر همه پیغامبران ایزد و همه فرشتگان و همه پاکان که اختیار و اولیای خدای عزوجل بودند و خلق را به راستی پند دادند و به یزدان راه نمودند و طریق مبطلان برنوشتند و بساط حق بگسترند» (فارسی دوم راهنمایی، ۱۳۸۱: ۱).

در جدول‌های زیر، کمیت تحمیدیه‌های دوره تحصیلی راهنمایی (متوسطه اول) بر اساس تقسیم‌بندی محتوایی مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول شماره ۱: بسامد تحمیدیه‌ها در کتاب فارسی اول راهنمایی و پایه هفتم متوسطه

پایه تحصیلی	صفات خداوند	خلقت	دعا	معاد	نعت
اول راهنمایی	۱	۱	۱	-	-
هفتم متوسطه	۱	۱	۴	۱	۱

جدول شماره ۲: بسامد تحمیدیه‌ها در کتاب فارسی دوم راهنمایی و پایه هشتم متوسطه

پایه تحصیلی	صفات خداوند	خلقت	دعا	معاد	نعت
دوم راهنمایی	۴	۲	۲	۱	۱
هشتم متوسطه	۲	۲	۲	۱	-

جدول شماره ۳: بسامد تحمیدیه‌ها در کتاب فارسی سوم راهنمایی و پایه نهم متوسطه

پایه تحصیلی	صفات خداوند	خلقت	دعا	معاد	نعت
سوم راهنمایی	۳	۵	۴	-	-
نهم متوسطه	۱	۲	۱	۱	-

بحث و نتیجه‌گیری

در یک جمع بندی اجمالی درمی یابیم که در بازه زمانی یادشده، تا پیش از تغییر نظام آموزشی (سنوات ۱۳۷۸-۱۳۹۲) در پایه اول راهنمایی، کمیت متون مرتبط با تحمیدیه نسبت به سال‌های پس از تغییر نظام آموزشی (سنوات ۱۳۹۸-۱۳۹۲) کمتر است؛ بدین معنا که کتاب‌های فارسی نظام جدید در پایه اول دوره اول متوسطه، به لحاظ برخورداری از دروس مرتبط با ادعیه، سیر صعودی محسوسی داشته اند؛ اما در موضوع صفات الهی و خلقت، رشدی دیده نمی‌شود و در معاد و نعت، شاهد رشد اندکی هستیم. تحمیدیه‌ها در دو پایه دیگر، در سال‌های مذکور سیر نزولی دارد. در موضوع صفات خداوند در پایه دوم متوسطه و در همین موضوع و نیز در بحث خلقت و ادعیه در پایه نهم، افت محسوسی دیده می‌شود و الگوی مثبتی در خصوص توجه به تحمیدیه‌ها در سال‌های اخیر وجود ندارد. به نظر می‌رسد برنامه ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی فارسی می‌توانند در مورد این گونه متون، از نظر کمی و کیفی، بازنگری اساسی

داشته‌باشند و بر اساس تقسیم‌بندی‌های محتوایی یاده‌شده، ارائه دروس مرتبط با ادبیات آیینی سیر منطقی به خود بگیرد .

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دانشگاهی پس از این، که با موضوع بررسی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های درسی انجام می‌شود، به این سؤال پاسخ داده‌شود که اصولاً کمیت تحمیدیه‌ها در کتاب‌های درسی بر اساس چه منطقی باید تعیین شود و چه مقدار از کتاب درسی باید به این مبحث اختصاص داشته‌باشد؟ سؤال دیگری که می‌تواند موضوع تحقیق‌های بعدی در این زمینه باشد، این است که بر اساس تقسیم‌بندی‌های انجام‌شده، کدام نوع از تحمیدیه‌ها می‌تواند بر دانش‌آموزان تاثیرگذارتر باشد؟

منابع

- اکبری شلدرد، ای، فریدون و همکاران (۱۳۸۸). فارسی دوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۰). فارسی دوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۸۹). فارسی سوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۰). فارسی سوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۳). فارسی هفتم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۴). فارسی هفتم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۸). فارسی هفتم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۸). فارسی هشتم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۴). فارسی نهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۹۷). فارسی نهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- سبحانی، جعفر (۱۳۵۹). خدا و صفات جمال و جلال، با تنظیم و نگارش رضا استادی. قم: توحید.

- ستوده، غلامرضا و نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۶۹). تحمیدیه در ادب فارسی. تهران: واحد انتشارات

بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

- سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۳). آموزش کلام اسلامی ۱، ج اول. قم: کتاب طه.

- سمیعی گیلانی، احمد و همکاران (۱۳۸۳). فارسی اول راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های

درسی ایران.

- _____ (۱۳۸۷). فارسی اول راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۸۸). فارسی اول راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ (۱۳۸۹). فارسی اول راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- _____ تحلیل تغییرات کمی و محتوایی تحمیدیه‌ها در کتاب‌های فارسی ...
- _____ (۱۳۹۰). فارسی اول راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۷۸). فارسی دوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۸۰). فارسی دوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۸۱). فارسی دوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۸۲). فارسی دوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۷۸). فارسی سوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۸۰). فارسی سوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۸۳). فارسی سوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - _____ (۱۳۸۷). فارسی سوم راهنمایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
 - کرمی، محمدحسین و آذرمکان، حشمت‌الله (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی تحمیدیه های چهار لیلی و مجنون (نظامی، امیرخسرو دهلوی، جامی، مکتبی)». گوهرگویا، سال ۲، شماره ۷: ۱- ۳۷.

